

هائیه موحد: | اجلاس ۱۷۴ اوپک و موازنه قدرت در بازار نفت



تبوتاب بازار نفت فروکش نمی‌کند و کشمکشها بر سر نحوه افزایش عرضه نفت اوپک در بازار همچنان ادامه دارد؛ کشمکشهایی که سه ضلع اصلی آن را می‌توان دخالت‌های آمریکا و توثیت‌های گاه‌وبیگاه رئیس جمهوری این کشور به منظور ترغیب اوپک به افزایش میزان عرضه نفت در بازار، موضع‌گیری‌های بعضا متناقض عربستان و مواضع محکم ایران در یادآوری جزئیات توافق اجلاس اخیر اوپک قلمداد کرد.

دونالد ترامپ در تازه‌ترین توثیت خود، اوپک را به دلیل افزایش قیمت بنزین سرزنش و با لحن آمرانه‌ای خطاب به اعضای این سازمان اعلام کرده است: «قیمت‌های جهانی نفت خام را همین حالا کاهش دهید.» توثیتی که با واکنش تند نماینده ایران در هیئت عامل اوپک مواجه شد. حسین کاظم‌پور اردبیلی خطاب به ترامپ هشدار داد که اگر به این رویه پایان ندهد، قیمت‌های جهانی نفت خام بالاتر نیز خواهد رفت. همانطور که پیداست صحبت از تبعات توافق اجلاس ۱۷۴ اوپک همچنان در صدر اخبار نفت جهان قرار دارد؛ اجلاسی که با تاکید بر حفظ پایبندی صددرصدی اعضا بر توافق پیشین این سازمان مبنی بر کاهش یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه‌ای عرضه نفت پایان یافت و با همراهی کشورهای غیراوپک، این تصمیم به منظور حفظ توافق قبلی کشورهای اوپک و غیراوپک برای کاهش یک میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه‌ای عرضه نفت تثبیت شد. به عبارت دیگر، با اجماع اعضا این امکان فراهم شده است که از اول ژوئیه سال جاری میلادی (۱۰ تیرماه) و در صورت بازگشت عرضه‌ی اعضایی که پیش از این کمتر از تعهد خود تولید می‌کره‌اند، تا سقف یک میلیون بشکه نفت افزون بر تولید معمول اوپک (در چارچوب توافق اجلاس ۱۷۱) راهی بازار شود. اما این تصمیم، خواسته یا ناخواسته، همچنان تا به امروز با برداشت‌ها و ابهام‌های مختلفی همراه بوده که پاسخگویی به این ابهامات می‌تواند به ما در درک بهتر شرایط حاکم بر این روزهای بازار نفت کمک کند. ابهاماتی مثل این‌که: توافق اخیر اوپک، به معنای

عقب‌نشینی ایران از مواضع خود به شمار می‌رود یا بالعکس؟ آیا این توافق به منزله مجوزی برای افزایش تولید نفت به میزانی فراتر از سهمیه و تعهدات برخی کشورها نظیر عربستان خواهد بود یا نه؟ و دست آخر این‌که توافق به چه شکل در بازار اجرایی می‌شود و بازار با چه میزان عرضه نفت بیشتری مواجه خواهد شد؟

▪ پس از برگزاری نشست اصلی اجلاس ۱۷۴ اوپک، غالب رسانه‌های داخل کشور و در راس آن، پایگاه اطلاع‌رسانی رسمی وزارت نفت (شانا)، توافق حاصل در این نشست را به «پذیرفتن پیشنهاد ایران در اوپک» و دفاع حداکثری از مواضع کشورمان تعبیر کردند و در مقابل، غالب رسانه‌های خارجی ترجیح دادند در تیتراژ خبرهای خود از عباراتی مثل «افزایش یک میلیون بشکه‌ای عرضه نفت اوپک» استفاده کنند. سوال اینجاست که فارغ از مواضع رسانه‌ای، در واقعیت آیا ایران توانست در این اجلاس در مسیر تحقق مواضعش گام بردارد؟ بدون هیچ توضیح اضافه‌ای، در پاسخ تنها کافی است صحبت‌های بیژن زنگنه، وزیر نفت را در بدو ورود به هتل کمپینسکی وین در جمع خبرنگاران مرور کنیم که گفت: «بر اساس توافق قبلی اوپک، قرار بود حدود ۲ میلیون بشکه کاهش تولید داشته باشیم که هم اکنون در عمل شاهد ۳ میلیون بشکه کاهش تولید هستیم، بنابراین اگر اعضای اوپک، یک میلیون بشکه نفت وارد بازار کنند، دیگر مشکلی نبوده و نیازی به افزایش تولید نیست.» همین موضع‌گیری زنگنه، خروجی اصلی اجلاس ۱۷۴ اوپک بود که غیرواپکی‌ها هم با آن همراه شدند؛ بنابراین هیچ تصمیمی برای تولیدی فراتر از سقف مجوزهای قبلی اوپک اتخاذ نشد. ایران به مواضعش پایبند بود و حرفش را به کرسی نشاند.

▪ حالا که قرار است تا سقف یک میلیون بشکه نفت (نفتی که به دلیل پایبندی بیش از حد اعضا به توافق پیشین اوپک و غیرواپک به بازار عرضه نمی‌شده) به بازار برگردد، سوال اینجاست که این نفت از محل تولید کدام کشورها تامین خواهد شد؟ زنگنه پس از اجلاس اوپک، بارها تاکید کرد که توافق اخیر به معنای این نیست که کشوری بتواند سهم کشور دیگری را از آن خود کند و اعضا موظفند صرفاً در چارچوب تعهدات خود نسبت به عرضه نفت اقدام کنند. معنای روشن صحبت زنگنه این بود و هست که نفت عربستان نمی‌تواند با استناد به این توافق، جای نفت ونزوئلا بگذارد، بنابراین طبیعی بود که زنگنه

پیش‌بینی کند حداقل در کوتاه‌مدت، بیشتر از ۵۰۰ هزار بشکه نفت به بازار برنمی‌گردد. در مقابل، وزرای نفت و انرژی عربستان، امارات و عراق، اعداد مختلفی را به عنوان میزان نفتی که به بازار می‌آید عنوان کردند و دست آخر، رئیس جمهوری آمریکا، با توثیقی که درباره گفت‌وگو با ملک سلمان منتشر کرد، به شائبه‌ها درباره جزئیات توافق اخیر اوپک دامن زد. ترامپ این جمله را توثیت کرد: «من با ملک سلمان درباره نیاز به افزایش تولید نفت خام در پی شرایط ناپایدار در ایران و ونزوئلا صحبت کرده‌ام و او با این پیشنهاد موافقت کرده است که احتمال می‌رود رقم این افزایش ۲ میلیون بشکه در روز باشد»؛ توثیتی که البته با موضع‌گیری به‌هنگام نماینده ایران در هیئت عامل اوپک راه به جایی نبرد و عربستان را ناگزیر به عقب‌نشینی کرد. حسین کاظم‌پور اردبیلی در واکنش به توثیت ترامپ اعلام کرده بود: «صرف‌نظر از این‌که چنین طرفیتی در عربستان نیست، این درخواست به معنای دستور خروج این کشور از اوپک است.» البته این پایان ماجرا نبود. زنگنه هم در واکنش به مواضع ضد‌ونقیضی که در خصوص نحوه اجرای توافق اخیر اوپک مطرح بود، دست به قلم شد و در نامه‌ای به سهیل‌المزروعی، رئیس دوره‌ای اوپک یادآوری کرد: «ما در خصوص واگذاری سهمیه تولید یک کشور عضو به اعضای دیگر تصمیمی اتخاذ نکرده‌ایم.» باید بپذیریم عقب‌نشینی عربستان و تکذیب تلویحی صحبت ترامپ از سوی این کشور از یک سو و نامه اخیر زنگنه به‌المزروعی به منظور یادآوری چندوچون توافق اوپک، به‌طور محرز نشان می‌دهد در اجلاس صدو هفتاد و چهارم، به هیچ عنوان مجوزی برای این‌که عضو یا اعضای از اوپک به جای دیگری تولید کنند، صادر نشده است.

▪ و اما سوال سوم. توافق اخیر به چه شکل در بازار اجرایی می‌شود و سرانجام بازار با چه میزان عرضه نفت بیشتری مواجه خواهد شد؟ آنچه مسلم است کشورهای اوپک و غیراوپک اجماع کرده‌اند که از میزان پایداری خود به تعهد کاهش تولید کم کنند، اما از سویی بدیهی است محدودیت عرضه نفت کشوری مانند ونزوئلا که بیش از ۶۰۰ هزار بشکه کمتر از تعهدش تولید می‌کند، به یکباره رفع نخواهد شد و اگر قرار باشد صرفاً اعضا در سقف تعهد تولید کنند، امکان بازگشت یک میلیون بشکه نفت به بازار فراهم نمی‌شود؛ در حالی‌که اوپک می‌خواهد در مسیر پایداری صددرصدی به توافق کاهش تولید حرکت کند. در

این شرایط، تکلیف چیست؟ برای پاسخ به این سوال، بهتر است باز هم به نامه زنگنه به المزروعی رجوع کنیم که در آن قید شده است: «براساس مندرجات قطعنامه با درخواست از کمیته مشترک وزارت نفت بر توافق اوپک-غیراوپک به منظور رصد بازار و گزارش دهی به رئیس دوره ای اوپک، بررسی این موضوع به رئیس دوره ای کنفرانس واگذار شده تا از طریق برگزاری کنفرانس فوق العاده یا مکاتبه با کلیه اعضای اوپک و رسیدن به اجماع، این موضوع را حل و فصل نماید.» بنابراین این احتمال وجود دارد در صورتی که در پایان ماه ژوئیه (نخستین ماه اجرای توافق اجلاس ۱۷۴ اوپک)، بررسی ها نشان دهد همچنان میزان پایداری اعضای اوپک و غیراوپک به تعهد کاهش تولید نفت فراتر از صددرد است، با نظر کمیته وزارت نفت (JMMC)، کنفرانس فوق العاده ای با حضور اعضا برگزار، یا با مکاتبه، درباره نحوه اجرایی شدن توافق اخیر تصمیم گیری شود. بدیهی است تا آن زمان نمی توان به طور قطعی درباره میزان افزایش عرضه نفت به بازار پیش بینی موثقی داشت. درعین حال با توجه به تاکید اعضای اوپک بر ضرورت پایداری صددردی به تعهد کاهش تولید و عدم توانایی برخی اعضا برای افزایش تولید، انتظار می رود به منظور عملیاتی شدن کامل این تصمیم اوپک، مجوز عرضه بیشتر به کشورهای که از بضاعت کافی برای تولید برخوردارند داده شود؛ اما فراموش نکنیم اتخاذ هر تصمیمی در این زمینه نیز به اجماع اعضا نیاز دارد و ایران هم بی تردید همانند اجلاس ۱۷۴، با موضع مشخصی به میدان خواهد رفت و احتمالاً حفظ سهم کشورهای را که هم اکنون امکان تولید ندارند به منظور استفاده از این سهم در زمانی که توانمندی کافی به دست می آورند، مطالبه خواهد کرد.

▪ با این تفاسیر، پیش بینی می شود دیر یا زود، بازار شاهد عرضه نفت بیشتری باشد و بی تردید عربستان از گزینه های اصلی در تحقق این عرضه خواهد بود. اما آیا آنطور که ترامپ می گوید یا برخی خبرها روایت می کنند، عربستان از پتانسیلی برای افزایش تولید روزانه نفت به میزان حدود ۲ میلیون بشکه برخوردار است یا در بهترین حالت می تواند تنها به جایگزینی موقت نفت ونزوئلا فکر کند؟ آمریکا سن، تحلیلگر ارشد مؤسسه انرژی اسپکتس می گوید: «ما در قلمروی ناشناخته

قرار خواهیم گرفت؛ اگرچه عربستان در تئوری این ظرفیت را دارد، فعال کردن این ظرفیت تولید به زمان و پول نیاز دارد و احتمالاً یک سال به طول می‌انجامد.» گری راس، رئیس پژوهش جهانی نفت در مؤسسه اس‌اند‌پی گلوبال (پلاتس) هم معتقد است: «عربستانی‌ها ظرفیت مازاد تولید ۲ میلیون بشکه در روز را ندارند، زیرا معنای آن رساندن تولید به ۱۲ میلیون بشکه است؛ آنها احتمالاً می‌توانند حداکثر ۱۱ میلیون بشکه در روز تولید کنند و حتی آن هم ساختار نفتی‌شان را تحت فشار قرار می‌دهد.»

▪ توئیت‌های نفتی ترامپ و رایزنی‌های وی با سعودی‌ها برای افزایش عرضه نفت هر روز خیرساز می‌شود. رویترز روز سه‌شنبه (۱۲ تیرماه) در تحلیلی، با اشاره به صحبت‌های قبلی ترامپ مبنی بر دستکاری قیمت نفت از سوی اوپک، به تعارض ناخواسته میان اولویت سیاست خارجی دولت آمریکا در زمینه تحریم‌های سختگیرانه ضدایران از یک سو و محاسبات انتخاباتی این دولت در زمینه حفظ قیمت پایین بنزین اشاره کرد. آمریکا به دنبال چیست؟ تحلیلگران معتقدند از آنجا که افزایش بهای نفت، توجیه اقتصادی تولید شیل‌های نفتی را در آمریکا افزایش می‌دهد، بنابراین مطابق با سیاست‌های این کشور است. زنگنه نیز در حاشیه اجلاس اوپک امسال به این نکته اشاره کرد که «رئیس‌جمهوری آمریکا مشکلی با قیمت بالای نفت ندارد اما می‌خواهد در افکار عمومی، خود را مخالف قیمت‌های بالای نفت نشان دهد و بگوید اوپک مقصر این شرایط است، در حالی که این شرایط را اوپک به وجود نیاورده. این دولت آمریکاست که مسبب این شرایط است و خود نیز باید شرایط را اصلاح کند.» و حال که ترامپ در تازه‌ترین توئیت خود، اوپک را به دلیل افزایش قیمت بنزین متهم کرده، سیاست یک بام و دوهوای این کشور عیان‌تر شده است. ترامپ در حالی از افزایش قیمت بنزین ابراز نگرانی می‌کند که قیمت نفت، تنها یکی از شاخص‌های تاثیرگذار بر آن است و دولت آمریکا اگر از بابت قیمت بنزین برآشفته است، می‌تواند با تغییر سیاست‌های مالیاتی که اتفاقاً از قبل آن بس‌یار منتفع می‌شود، از نگرانی‌های خود بکاهد نه با حمله به اعضای اوپک. حتی اگر غیر از این هم باشد و مولفه افزایش قیمت نفت به تنهایی، بازار را با چالش‌هایی جدی و مخرب مواجه کند، باز هم چنین فرایندی، نه می‌تواند عملکرد امروز اوپک را زیر

سوال ببرد و نه از قصور آمریکا چیزی کم می‌کند. مسلماً قرار نیست کشوری با اعمال فشار و تحریم علیه برخی کشورها و ایجاد اختلال در عرضه نفت، بازار را ملتهب سازد و بعد انتظار داشته باشد دیگران تاوان این التهاب‌آفرینی را بپردازند. کاظم‌پور به درستی پیش‌بینی کرده بود که «رویه پیش‌روی آمریکا، نوعی خودزنی است و سبب افزایش قیمت جهانی نفت خواهد شد.»

▪ شاید برخی این سوال را مطرح کنند که: «دور از ذهن نیست اگر عربستان و ... با هدف دستیابی به مقاصد و منافع خود نسبت به هر میزان افزایش تولیدی اقدام کنند و لزوماً معطل مجوز اوپک نمانند. در چنین شرایطی، اجماع و توافق اخیر اوپک چه حاصلی دارد؟» سوال بیراهه نیست. هیچ چیز را نمی‌توان پیش‌بینی کرد؛ به ویژه که اوپک سازمانی است که سازوکار تحقق تصمیماتش متکی بر اراده سیاسی کشورهاست و به طور مثال مکانیزمی برای تنبیه یا جریمه اعضا ندارد. اما اجماع اخیر از این حیث می‌تواند حائز اهمیت باشد که هرگونه اقدامی خلاف چارچوب‌های توافق را می‌توان به مثابه تخطی و بی‌اعتنایی به اوپک و زیر سوال بردن اقتدار این سازمان قلمداد و از این طریق به ناقضان توافق اعمال فشار کرد؛ مقوله‌ای که درست یا غلط، هنوز برای اعضای اوپک و حتی عربستان حائز اهمیت است. نماینده ایران در هیئت عامل اوپک به بهانه پاسخگویی به توثیت امروز ترامپ، به خوبی ضرورت این اتحاد و اقتدار را به دنیا یادآوری کرد و گفت: «برادران مسلمان ما در عربستان سعودی، ملتی تحصیلکرده و بالغ هستند که اجازه نمی‌دهند شما با آنها این گونه رفتار کنید و به آنها دستور دهید. ممکن است ما اختلاف سلیقه‌هایی با برادرانمان در عربستان سعودی داشته باشیم، اما یاد گرفته‌ایم که چگونه در کنار هم زندگی کنیم.» اوپک همان‌گونه که زنگنه بارها تاکید کرده و دیگر سران اوپک هم بر آن صحه گذاشته‌اند، سازمانی سیاسی نیست و اعضا مصمم هستند حتی در ظاهر هم که شده، حرکت این سازمان را در مسیر حفظ ثبات بازار و پرهیز از سیاست‌ورزی نگه دارند. با این همه، واقعیت آن است که در بلندمدت، تنها برگ برنده در بازار نفت،

قدرت و توان تولید است و بس. نقش پررنگ و حذف ناشدنی عربستان و روسیه در بازار نفت از قدرت تولید نفت این کشورها نشأت می‌گیرد و قطعاً ایران با ظرفیت تولید چهار میلیون بشکه نفت نمی‌تواند همتراز با کشوری که ۱۰ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند در بازار تاثیرگذار باشد؛ هرچند تاکنون به مدد دیپلماسی انرژی خود، رویه‌ای جز این را به نمایش گذاشته است. باید بلندمدت اندیشید؛ باید برای بلندمدت برنامه‌ریزی کرد و باید به این واقعیت تن داد که با استناد به نبود بضاعتِ بیشتر برای تولید و عرضه نفت، نمی‌توان در بلندمدت با طرح انتظاراتی مثل «ما تولید نمی‌کنیم، دیگران هم تولید نکنند» با دنیا گفت‌وگو کرد. شاید امروز به سبب حاکم بودن تعادل بر بازار نفت، نیازی به عرضه بیشتر نباشد اما همیشه این‌گونه نخواهد ماند و هر نوع دیپلماسی برتری در حوزه نفت، بدون اتکا به توان تولید نمی‌تواند در بلندمدت، موثر و تعیین‌کننده واقع شود. عرضه‌ای نفت اوپک به هر رقمی که برسد و قیمت نفت در هر نقطه‌ای که قرار گیرد، نقش انکارناپذیر و برتری بی‌چون و چرای «قدرت تولید» در بازار نفت قابل اغماض نیست و ما برای عرض‌اندام در این زمینه، علاوه بر بهبود عوامل تولید، به بازاری برای فروش نفتمان نیاز داریم؛ بازاری که جز در سایه تعامل با دنیا ایجاد نخواهد شد.

ها نیه موحد